

جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۴۰۵، دوره ۹ شماره ۱، صص ۴۹-۲۹

عوامل مؤثر بر کنترل و مدیریت مرزها متأثر از گسترش گروه قومی ترکمن

در دو سوی مرز ایران و ترکمنستان

منصور رحمتی^۱، مناف خانزاده^۲، سمیرا نوبخت^۳، ساجد بهرامی جاف^{۴*}

۱-دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جغرافیا (اردبیل، ایران)

Rahmati1358@gmail.com

۲-کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز، دانشکده، گروه جغرافیا، گرایش آمایش (تبریز، ایران) Manfkhazadeh@gmail.com

۳-کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد. (مشهد، ایران) S.Nobakht@gmail.com

۴-پژوهشگر پسادکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران S.bahrami@mail.um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

چکیده

موضوع تحقیق حاضر به بررسی اهمیت و تأثیر استقرار گروه واحد قومی در دو سوی مرز در کنترل مرز با تأکید بر قوم ترکمن پرداخته است. این تحقیق از طریق روش توصیفی-تحلیلی با جمع‌آوری داده‌ها از دو بخش کتابخانه‌ای و میدانی به ارزیابی و تحلیل اثرات و تأثیرات استقرار گروه‌های قومی در کنترل مرز می‌پردازد. تأمین امنیت ملی و جلوگیری از ناامنی و جنگ از جمله اهداف مهم کنترل مرزها است و به این منظور، اهمیت استقرار گروه‌های قومی در دو سوی مرز به ویژه با تأکید بر قوم ترکمن به عنوان جزء از جامعه محلی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق به دو بخش نظری و میدانی تقسیم می‌شوند. در بخش نظری، با تکیه بر نظریات مرتبط با کنترل مرز و قومیت، شش مؤلفه و ۲۷ متغیر به عنوان گویه‌های اصلی تحقیق معرفی شده‌اند. در بخش میدانی نیز با استفاده از پرسش‌نامه و با مشارکت ۳۰ نفر از متخصصان مرز از جمله اساتید دانشگاه و دانشجویان دکتری در حوزه‌های جغرافیای سیاسی، برنامه‌ریزی شهری و علوم سیاسی، داده‌ها جمع‌آوری شده و با استفاده از نرم‌افزار SMART-PLS تحلیل و بررسی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بعد سیاسی با ضریب ۰/۸۹۸ به عنوان یکی از عوامل مؤثر در کنترل مرز تأثیرگذار است. در این متغیر، تبعیضات سیاسی و قومی و عدم بازیگری سیاسی تأثیر مهمی در اهمیت بعد سیاسی در کنترل مرز ایران و ترکمنستان دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با کنترل مرز، نیاز به توجه به عوامل سیاسی و قومی از اهمیت بالقوه برخوردار است.

واژگان کلیدی: قومیت، مرز، کنترل مرز، گروه قومی ترکمن، SMART-PLS

۱- مقدمه

مرزهای سیاسی بین‌المللی خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که برای تعیین حدود واحدهای سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند. این خطوط، ضمن تعیین حدود قلمرو حکومت، تعیین‌کننده اختیارات دولت آن حکومت نیز هستند؛ بنابراین مرزها از مباحث اصلی جغرافیای سیاسی به شمار می‌روند (MirHeydar et al., 2019). تحولات قرن حاضر در عرصه جهانی نظیر جهانی‌شدن، ورود به عصر اطلاعات و پیشرفت در زمینه فناوری‌های تسلیحاتی و نظامی مرزها، همچنان یکی از نقاط اولیه شروع جنگ‌ها و سایر آسیب‌پذیری‌ها نظیر ورود افراد تروریست، مواد مخدر، قاچاق کالا، ورود بیماری‌ها و ... به کشورها هستند. این موضوع سبب شده که مرزهای سیاسی بین‌المللی همچنان دارای اهمیت برای کشورها باشند و حکومت‌ها به‌صورت‌های مختلف برای کنترل آن‌ها با هدف کاهش آسیب‌پذیری کشور در سطوح مختلف محلی و ملی سعی کنند (Steffens, 2020; Abomhara et al, 2021). یکی از مباحث مهم در ارتباط با مرزهای بین‌المللی، کنترل و مراقبت از آن‌ها است، به‌ویژه در مناطق پرتنش و نابه سامان (Glassner, 2004: 80). کنترل و نگهبانی از مرزهای سیاسی در مناطق پرتنش و نابه‌سامان امری حساس و خطیر برای حکومت‌های سرزمینی محسوب می‌شود. در این میان کشور ایران به دلیل واقع‌شدن در منطقه پرتنش و پرخطر جنوب غرب آسیا، داشتن مرزهای طولانی دریایی و خشکی، همسایه بودن با بیش از ۱۵ کشور و چندین منطقه خودمختار، تنوع قومی و مذهبی در جداره مرزها، تنوع اقلیمی و نیز بی‌ثباتی سیاسی برخی از کشورهای همسایه آن باعث شده که مسائل مرتبط با کنترل مرزها از اهمیت برجسته‌ای در مسائل مرزی برخوردار باشد (Janparvar et al, 2022). نگاهی کلی به مناطق مرزی کشور نشان‌دهنده عوامل متعددی است که کنترل مرزهای کشور را با چالش مواجه کرده و زمینه بروز مشکلات عدیده‌ای را فراهم نموده که با شناخت و درک بهتر آنها می‌توان گامی جهت کاهش این مشکلات برداشت و مرزهای کشور را بهتر کنترل کرد. در کنترل مرزها عوامل متعددی دخیل هستند و بنا به فراخور هر منطقه مرزی متفاوت بوده، اما یکی از مهم‌ترین مسائل در کنترل مرزهای کشور ایران قرارگیری یک گروه قومی واحد در دو سوی مرزهای کشور است (Janparvar et al, 2022). از جمله چالش‌های قرارگیری گروه قومی واحد می‌تواند با وابستگی‌های خویشاوندی که دارند، تعاملات گسترده و بدون رعایت قوانین مرزی، ادعاهای استقلال‌طلبی و ... کنترل مرزها را با مشکل مواجه نمایند. مرزهای شمالی ایران به دلیل وجود تنوع قومی و مذهبی و نیز تنش‌های ناشی از آن در داخل و نیز مسائل ناشی از نوع نظام سیاسی در کشورهای هم‌جوار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و مسائل مرتبط با کنترل مرز و امنیت این مناطق نیز از حساسیت بالایی برخوردار است. پیچیدگی این مسئله با شرایط قرارگیری قومیت‌ها چالش‌های عمده‌ای را جهت کنترل امنیت مرزی این مناطق به وجود آورده است. در واقع اگر جغرافیای سیاسی بازیگری اقوام را در اولویت قرار ندهد چیزی جز چارچوبی توخالی نخواهد بود زیرا اقوام، ملت‌ها، بازیگران واقعی تاریخ، آفرینندگان، مردم و جان دهندگان دولت‌ها هستند (Kargar et al., 2011: 99). در این بین ناهمگن‌ترین

گروه قومی در ایران از نظر زبان، نژاد و دیگر ویژگی‌های هویتی، ترکمن‌ها می‌باشند. زیرا زبان ترکمنی شباهتی به فارسی نداشته و این گروه قومی از لحاظ نژادی تورانی و زرد پوست و همچنین به لحاظ مذهبی اهل سنت (مذهب حنفی) می‌باشند و در عین حال دارای پیوستگی درونی و بیرونی سرزمینی و جمعیتی نیز هستند (Pirdashti, 2001: 153). بر این مبنا کنترل مرز در این منطقه از اهمیت مهمی برخوردار بوده که تحقیق حاضر به دنبال بررسی عوامل موثر بر کنترل و ساماندهی مرزهای سیاسی مناطق ترکمن نشین ایران با ترکمنستان است.

۲- مباحث نظری تحقیق

بحث قومیت از مباحث اساسی و کلیدی در جغرافیای سیاسی است (Mir Heidar et al., 2013). قومیت طی دهه‌های گذشته به یک موضوع عمده در علوم اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است (Green, 2006: 2). قومیت دربردارنده ساختی اجتماعی است که بر اساس ویژگی‌های مانند حس مشترک در عضویت گروه، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، زبان، منافع سیاسی و اقتصادی، تاریخ و پایه جغرافیایی اجدادی، مردم را به گروه‌های اجتماعی کوچک‌تر تقسیم می‌کند (Rizzo, 2008: 4-5). از نظر هوروویتس، قومیت ادراک هویت قومی است بر پایه وجوهی از فرهنگ یعنی زبان، مذهب و آداب و رسوم هویت قومی شکل می‌گیرد (Mir Heidar et al., 2013). از نظر وبر گروه‌های قومی شامل گروه‌های انسانی بوده که نسبت به اصل و نسب مشترک خود به خاطر شباهت‌های فیزیکی یا سنت‌ها دارای باورهای ذهنی مشترکی می‌باشند قوم یک سازمان اجتماعی پیدایش یافته‌ای است که بر عرصه قلمرو مشخصی قرار دارد و شامل مردمی است که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، خویشاوندی و... برقرار کرده‌اند، دارای زبان مشترک، ویژگی‌های فرهنگی، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی و رسوم مشترک می‌باشند. (Ahmadipour and Heidari Moselu 2010). از نظر برتون قوم یک مجموعه اجتماعی تمایز یافته، محدود و پایدار معرفی می‌شود که بنیاد خود را در تاریخی اسطوره‌ای تصور می‌کنند و عموماً دارای نام، آداب و رسوم، ارزش‌ها و زبان مشترک است (Burton, 2017). ساختار فضایی — جغرافیایی ایران از دو بخش منسج مرکزی و حاشیه‌ای به وجود آمده است. بخش مرکزی، که فضای بیشتری از جغرافیای ایران را شامل می‌شود و میان اجزای آن همبستگی و تجانس نسبی وجود دارد. بر خلاف بخش مرکزی، بخش حاشیه‌ای که ساکنان آن در دشت‌ها و نواحی مرتفع حاشیه جغرافیای ایران سکونت دارند، با مسئله گسیختگی و غیرمتجانس بودن رو به رو است و مجموعه‌ای مختلف از گروه‌های فرهنگی و قومی را در شامل می‌شود (Hafeznia, 2019). به عبارت دیگر ایران، کشوری چندفرهنگی است و تنوع قومی و زبانی، یکی از ویژگی‌های شاخص آن است. بنابراین مناطق مرزی ایران دارای ترکیبی غیر متوازن با بخش

مرکزی کشور از لحاظ قومی است، از سوی دیگر ساختار فضایی قرار گیری این اقوام به گونه‌ای است که با آن‌سوی مرزها نیز پیوند دارند و یک گروه قومی واحد را شکل داده‌اند. در واقع به دلیل تحمیلی بودن مرزهای سیاسی شکل گرفته در خاورمیانه گروه‌های قومی خاصی چون مردمان کُرد که بدون دولت هستند در چندین کشور پراکنده شده‌اند و این پراکندگی مسئله مرز را برای حکومت‌های مرکزی آن‌ها با اهمیت ساخته. در واقع موضوع مرز یکی از مباحث اصلی جغرافیای معاصر هستند که به طور فزاینده‌ای در مرکز سیاست هویت، امنیت، محیط‌زیست، تحرک و اقتصاد یافت می‌شود (Konrad, 2015: 39). مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملت - پایه را مشخص می‌کنند (Hafeznia, 2019). مرز خطی فرضی است در فضا که تقسیم کننده دو کشور، دو ملت، و دو نظام حکومتی است، مرز در متعالیه قلمرو حقوقی و قانونی یک دولت قرار می‌گیرد (Mojtahedzadeh, 2017). هگل مرزها را پدیده‌های فلسفی می‌داند که دارای تضادها و پاداروکس‌های همیشگی واضحی هستند. همچنین او بیان می‌کند که مرزها در واقعیت وجود دارند و فضای علامت‌گذاری و ساختاری را شکل می‌دهند که منجر به ایجاد تفاوت‌های کشورها از یکدیگر می‌شوند (Kolossoff, 2013:1). مرزها به شکل دیوارهایی زندگی، هویت، کشور، حکومت، منافع ملی و ... را از دیگر کشورها جدا می‌کنند و به شما و آنها اعتبار و هویت می‌بخشند. با نظاره ای به پیرامون خود و مرزهایی که در پیرامون وجود دارد می‌شود بهتر به این موضوع پی برد (Hafeznia and Janparvar, 2017). عوامل مختلفی باعث اهمیت یافتن مرزها می‌شوند. منظور از مرزهای مهم، مرزهایی هستند که توجه دولت‌ها را به سمت خود کشانده‌اند و نیاز به کنترل بیشتر و در نتیجه اختصاص دادن نیروهای مرزی و خرج هزینه‌های بیشتر برای حفظ و نگهداری آنها است. یک سری از مرزها هستند که به واسطه ماهیتی که دارند، از اهمیت بیشتری برخوردار هستند، در نتیجه کنترل بیشتری بر روی آن‌ها صورت می‌گیرد (Janparvar et al, 2017). کنترل مرز به اقدامات و روندهایی اطلاق می‌شود که از سوی یک کشور جهت نظارت و حفاظت از مرز بر روی جریان افراد، کالا و حیوانات در سرتاسر مرز اعمال می‌شود (Zarqani, 2020). کنترل مرز اغلب به روش‌ها و فناوری‌هایی اشاره دارد که به افراد، دولت‌ها و حکومت‌ها کمک می‌کند تا مسائل مرزی، عبور و مرور افراد و کالاها، استفاده بهینه از منابع مشترک و ... را منطبق با قوانین و مقررات کشور انجام دهند (Heinesson, 2009). به عبارت دیگر، کنترل مرزها به طور سنتی با حاکمیت دولت بر مردم و قلمرو آن در ارتباط است (Oztig, 2018). کنترل مرز، مکانیسمی برای تضمین امنیت مرزهای ملی و نیز تنظیم حرکات قانونی در طول مرزها برای دستیابی به نیازهای متفاوت ملت توسط ارتباط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که از طریق مرزها فراهم می‌گردد (Zarqani et al, 2016)؛ بنابراین کنترل مرز محدوده کنترل امور اجرایی مرزها شامل اطمینان از حفظ حرمت و برقراری نظم و امنیت در طول مرزها را مشخص می‌کند (Yousefi, 2015: 71). حفاظت و نگهداری مرز می‌تواند خود دارای بخش‌بندی‌هایی به صورت زیر باشد: الف) حفاظت و نگهداری نظامی از مرزها: ب) حفاظت و نگهداری

نظامی - امنیتی مرزها: ج) حفاظت و نگهداری امنیتی مرزها: د) حفاظت و نگهداری امنیتی - اقتصادی مرزها: حفاظت و نگهداری اقتصادی مرزها (Jones & Johnson, 2016). در این میان، کشور ایران با توجه به دارا بودن مرزهای طولانی از یک سو، و از سوی دیگر منطبق بودن این مرزها با اقلیت‌های قومی و مذهبی که دنباله آن‌ها به فراتر از مرزهای آن کشیده شده کنترل مرز را با چالش بیشتری مواجه نموده و این چالش کنترل مرز نشای از استقرار گروه قومی واحد در نظریات مختلف مرزی بیان شده است. به عنوان مثال سافر در نظریه‌اش ارتباطات در طول مرز بین دو کشور همجوار با قدمت تاریخی مجادله بین آنها را مورد پژوهش قرار می‌دهد. سافر مرز بین اسرائیل با لبنان را که شامل منطقه امنیتی در اشغال اسرائیل است را به عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب می‌کند. اصلی‌ترین مفهوم در مدل سافر عبارت است: فضایی که یک گروه اقلیت در دو طرف مرز زیست می‌کنند، باید توقع برقراری روابط نزدیک بین آنها را داشت، حتی اگر مرز بین دو کشور بسته و دشمنانه باشد. وی همچنین توضیح داد که در امتداد مرزهایی که مسائل مختلف وجود دارد، روابط معمولاً براساس روابط خویشاوندی و تجارت محلی انجام می‌شود علاوه بر این او ادعا می‌کند که امکان دارد دولت‌ها در دو طرف مرز تعاملاتی داشته باشند، حتی باوجود اوضاع خشونت‌آمیز در مرزها و سرانجام این تعاملات باعث برقراری صلح و دوستی می‌شوند. وی در پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که روابط بین دو کشور وابسته است به قدرت پیوند منطقه مرزی و اندازه جمعیت اقلیتی که در دو طرف مرز زندگی می‌کنند (Soffer, 1994: 190).

نظریه‌های مرتبط با مرز

۱) نظریه مرکز - پیرامون جان فریدمن

این نظریه را جان فریدمن در سال ۱۹۶۷ مطرح کرد. بر اساس این نظریه، تحولات و نوآوری‌ها در نواحی مرکزی رخ می‌دهند و بقیه مناطق، نواحی پیرامونی را تشکیل می‌دهند که به نواحی مرکزی وابسته هستند و نوعی تضاد منافع خاصی بین آن‌ها برقرار است که سرعت رشد در مرزهای پیرامونی بسیار پایین‌تر از مرکز می‌باشد. باینکه این نظریه‌ها به‌طور مستقیم به موضوع مناطق مرزی نپرداختند، اما دیدگاه‌هایی نظری در ارتباط با پدیده عدم تعادل در توسعه منطقه‌ای را مطرح ساختند که بر نظریه‌های مناطق مرزی تأثیرگذار بوده است (Saeidi and Turk, 2013:133). بنابراین مرزها به دلیل قرار گرفتن در مناطق پیرامونی و حاشیه‌ای و دور از مرکز مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند؛ زیرا امکان بهره‌برداری از منابع آن‌ها کمتر از مناطق مرکزی است و به دلیل این بی‌توجهی، منابع موجود این مناطق به‌سوی مناطق مرکزی متمایل می‌شود. در نتیجه تضاد منافع بین مرکز و نقاط مرزی، خط مرزی ذهنی و عینی میان مرکز و پیرامون و عقب‌ماندن از روند توسعه‌یافتگی در مناطق مرزی مشاهده می‌شود (Saber et al, 2018:51).

6۲ نظریه هانسن

در نظریه نیلز هانسن بین مناطق مرزی و مرکزی عدم توازن برقرار است که بر روند توسعه این مناطق تأثیرگذار است. نا هماهنگی میان اغراض سیاسی و اقتصادی باعث پیدایش مشکلات زیادی در این مناطق می‌شود. در مناطق مرزی خطر تهدید و تهاجم نظامی وجود دارد. در ساختار فضایی این مناطق آسیب‌ها و چالش‌های زیادی به سبب گسست در ساختار فضایی این مناطق بر اثر ایجاد مرزهای فیزیکی وجود دارد. در این مناطق به دلیل وجود تفاوت‌های گوناگون در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی موانع تجارت بین‌المللی مشاهده می‌شود و محدود شدن ارتباط یا قطع ارتباط با همسایگان وجود دارد. تا وقتی که این شرایط وجود داشته باشد، مناطق مرزی به صورت مناطق توسعه‌نیافته و پیرامونی باقی خواهند ماند (Andalib and Mutuf, 2009: 63).

۱۳ نظریه جونز و وایلد

جونز و وایلد با تحقیقاتی که در مرز سابق دو آلمان انجام دادند دریافتند مناطق مرزی حتی در کشورهای پیشرفته‌تر به عنوان منطقه حاشیه و توسعه‌نیافته هستند. ویژگی حاشیه‌ای و مرزی بودن در این مناطق باعث کاهش بسیاری از امکانات می‌شود. فضاهای جغرافیایی که با پیوستگی فضایی به توسعه می‌رسند با ایجاد مرز از هم گسسته می‌شوند و به دلیل قطع پیوستگی هر دو سوی مرز حاشیه‌ای می‌شوند (Johns & Wild, 1994:262-270).

۴ نظریه سافر

سافر در مقاله‌اش در سال ۱۹۹۴ تعاملات در راستای مرز بین دو کشور هم‌جوار با پیشینه تاریخی مجادله بین آنها را مورد کاوش قرار می‌دهد. محتوای اساسی در مدل سافر عبارت است: فضایی یک گروه اقلیت در دو طرف مرز زیست می‌کنند، باید توقع برقراری روابط نزدیک بین آنها را داشت، حتی اگر مرز بین دو کشور بسته و دشمنانه باشد. (JanParver and et al, 2021: 127). سافر با شرح این مفهوم گفته‌های مینگی (۱۹۹۱) را بیان کرده بود تعاملات در مرزهایی که خطر مجادله دارند، وجود ندارد را به چالش کشید. وی همچنین توضیح می‌دهد که در امتداد مرزهایی که مسائل مختلف وجود دارد، روابط معمولاً براساس روابط خویشاوندی و تجارت محلی انجام می‌شود علاوه بر این او ادعا می‌کند که امکان دارد دولت‌ها در دو طرف مرز تعاملاتی داشته باشند، حتی با وجود اوضاع خشونت‌آمیز در مرزها و سرانجام این تعاملات باعث برقراری صلح و دوستی می‌شوند. وی در پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که روابط بین دو کشور وابسته است به قدرت پیوند منطقه مرزی و اندازه جمعیت اقلیتی که در دو طرف مرز زندگی می‌کنند (Soffer, 1994:190). در مدل سافر باید گفت، با وجود اینکه سافر تنها قرارگیری یک گروه قومی واحد در دو سوی مرز را یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری و گسترش تعامل در دو سوی مرز دانسته است، اما به نظر می‌رسد در کنار این قرارگیری عامل مهم‌تری که تشدید تعامل بین گروه قومی واحد در دو سوی مرز را سبب شده وابستگی و تعامل گسترده اقتصادی است که در میان این گروه قومی در دو سوی مرز نه تنها تعداد و حجم بالای این ساکنین وجود

دارد. بر این مبنا، اگر در دو سوی مرز گروه قومی واحد با وابستگی و تعاملات اقتصادی ساکن باشند، با وجود کنترل‌های شدید بین دو طرف مرز تعامل و ارتباط شکل گرفته و گسترش پیدا خواهد کرد و از این طریق می‌تواند بر گستره منطقه مرزی مؤثر باشد (Janparvar and et al, 2021).

نظریه‌های مرتبط با قومیت

(۱) نظریه ریچارد جنگیز

ریچارد جنگیز قومیت را به‌عنوان راهی برای گفت‌و شنود درباره یکی از کلی‌ترین و اساسی‌ترین اصول معاشرت انسانی در نظر می‌گیرد که راهی برای هویت‌یابی جمعی است که مفهوم "ما" و "آنها" را شکل بخشیده و دارای ساختی اجتماعی همراه با اشاره به فرهنگ است. به همین دلیل فرقه‌ای، محلی، ملی و نژادی را همچون ساخت‌های اجتماعی تاریخی و محیطی خاص مبتنی بر رونمای بنیادین قومیت فرض می‌کند که همه مؤلفه‌های هویت قومی را تشکیل می‌دهند. قومیت به همان اندازه که وابسته به وضعیت است احتمالاً بخش‌بخش و سلسله‌مراتبی نیز هست، اگرچه ممکن است؛ مثلاً دو گروه A و B از یکدیگر متفاوت باشند؛ ولی می‌توانند در یک محیط متفاوت مثل C در مقابل D با هم در هم آمیزند (Moedfar and Rezaei, 2009: 25-26).

(۲) نظریه گوبلگو

یکی از روش‌های نظری که به تحلیل و بررسی نزاع‌های قومی پرداخته و در میان متفکرین روسی و اروپایی از جایگاه مهمی برخوردار است، نظریه گوبلگو است. مبتنی بر این نظریه، خشونت‌ها و چالش‌های قومی در درون گروه‌بندی‌های اجتماعی و منافع اقتصادی - اجتماعی قابل بررسی است. او بیشترین توجه خود را به عناصر و عوامل قومی در دسته‌بندی اجتماعی، تقسیمات کاری و طبقه‌بندی اجتماعی معطوف کرده است. این نظریه، پدیده تصاحب موقعیت‌ها و فرصت‌های منتخب اجتماعی توسط اعضای یک گروه قومی و نژادی را به‌عنوان کشف برجسته خود در نظر می‌گیرد که این اختلافات اساسی اجتماعی، قومی و طبقاتی مهم‌ترین انگیزه را برای رخداد درگیری‌های بین قومی و تنش‌های آشکار قوی ایجاد می‌کند (Heshmati Jadid et al., 2016: 146).

(۳) نظریه استعمار داخلی هشتر

نظریه استعمار داخلی توسط "مایکل هشتر" ارائه شد که در گروه نظریه‌های جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد. این نظریه بر وجود روابط نابرابر میان یک قلمرو فرهنگی و یک یا چند قلمرو فرهنگی تابع در درون یک نظام حکومتی دلالت دارد. هشتر اعتقاد دارد که افزایش ارتباطات اجتماعی گروه‌های قومی در توسعه به اتحاد ملی و محو همبستگی‌های قومی نمی‌انجامد و می‌تواند به اختلافات قومی منتهی شود. واکنش مناطق محروم نسبت به مناطق توسعه یافته‌تر، خصومت‌آمیز خواهد بود و درگیری‌های قومی می‌تواند پایه شکل‌گیری تعامل یا درگیری قومی به‌عنوان واکنش در

مقابل این استعمار باشد (Mirzaeitabar et al., 2017: 151-152). بر اساس نظریه هشتر متغیر استعمار داخلی در واگرایی قابل توجه است. مبتنی بر آن نابرابری و توزیع نامتجانس میان مناطق مختلف یک واحد ملی که دارای گوناگونی قومی و فرهنگی است مورد تأکید است. تأکید اصلی این نظریه بر این نکته است که همبستگی قومی ممکن است در داخل یک جامعه ملی در حال ظهور در نتیجه افزایش نابرابری‌های ناحیه میان یک مرکز فرهنگی متفاوت و جمعیت حوالی آن تقویت شود. مسائل ساختاری گروه پیرامونی، به‌خصوص زمانی که گروه از نظر جغرافیایی در ناحیه مخصوص به خود متمرکز باشد، امکان دارد به شکل آرمان استقلال‌طلبانه، چه به‌عنوان یک هدف استراتژیک و چه به‌عنوان یک موضع مناسب برای چانه‌زنی به خود بگیرد (Seyfollahi & Bastami, 2014: 14-15).

۴) آیکونوگرافی و سیرکولاسیون گاتمن

ژان گاتمن با طرح ایده‌های آیکونوگرافی و سیر کلاسیون به وجود نیروهای سازنده و مخرب در پیدایش و بقای کشورها معتقد است با این تفاوت که نیروهای سازنده را در عوامل معنوی، فرهنگی اعتقادی و باور ملت‌ها جستجو می‌کند و در تشریح آیکونوگرافی می‌گوید برداشت و طرز تلقی روانی مردم مرکب از وقایع گذشته و عقاید عمیقاً ریشه دار است (Hoggett, 1996: 366). گاتمن به اهمیت نهادهایی همچون تاریخ افسانه ادبیات و عادات‌های اجتماعی در ساخت و تخریب کشورها اشاره می‌کند. از دیدگاه گاتمن مرزها به این علت ایجاد شده‌اند که هر کشوری احساس کند با کشور دیگر فرق دارد و ادامه می‌دهد "... جداگانه بودن نسبت به دیگران و سربلند بودن از جلوه‌های زندگی خویش خاصیت هر گروه انسانی است...". برای جداگانه بودن نسبت به دیگران یک منطقه تنها نیازمند یک کوه یا یک دره یا یک زبان ویژه یا مهارت خاص نیست برای چنین هدفی یک منطقه اساساً نیازمند یک باور استوار بر اساس یک اعتقاد دینی برخی دیدگاه‌های ویژه اجتماعی و جلوه‌هایی از خاطرات سیاسی است و اغلب به آمیخته‌ای از این سه نیاز دارد. پابرجاترین واقعیت‌ها آنهایی است که مربوط به عالم روحانی می‌شود نه آنهایی که در جهان مادی وجود دارد... و در حالی که تاریخ به ما نشان می‌دهد که واقعیت‌های روحانی تا چه اندازه پابرجاست، جغرافیا نمایان می‌سازد که تقسیمات اصلی موجود در دسترس بشر آنهایی نیست که در پستی و بلندیهای زمین و یا در محیط گیاهی وجود دارد، بلکه آنهایی است که در اندیشه مردمان نقش بسته است» (Mojtahedzadeh, 2019: 304).

۳- روش تحقیق

بر اساس موضوع اصلی پژوهش (استقرار گروه قومی واحد در دو سوی مرز و کنترل آن) پس از مرور مؤلفه‌ها و نظریات مرتبط با کنترل مرز اطلاعات پایه جمع‌آوری و طبقه‌بندی شدند بدین صورت که مؤلفه‌ها و متغیرهای تأثیرگذار

در قالب ۶ مؤلفه و ۲۷ متغیر به صورت پرسشنامه دسته‌بندی شدند. در مرحله بعد به منظور سنجش تأثیر استقرار گروه قومی ترکمن در دو سوی مرز بر کنترل مرز پرسشنامه تدوین شده بر اساس متغیرهای مرتبط با کنترل مرز و گروه قومی در اختیار جامعه آماری تحقیق که تعداد ۳۰ نفر از متخصصان مرز از جمله اساتید دانشگاه و دانشجویان دکتری در حوزه‌های جغرافیای سیاسی، برنامه‌ریزی شهری و علوم سیاسی و نیز برخی از نخبگان محلی و حکومتی (بخش‌داران و نیز مولوی‌ها) بودند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SMART-PLS استفاده شده است. روش ساختاری در این نرم‌افزار بدین صورت است که روابط میان متغیرها به‌ویژه در سیستم‌های گسترده با ابعاد متعدد را تحلیل می‌کند. در این روش جهت گردآوری داده‌ها ابتدا تأثیر متغیرها بر یکدیگر با توجه به نظر خبرگان و متخصصین امر در طیف ۵ تایی خیلی کم تا خیلی زیاد ارزش‌گذاری شده است.

۴- منطقه مورد مطالعه

ترکمن‌ها یکی از اقوام ترک‌تبار آسیای میانه هستند که در منطقه وسیعی زندگی می‌کنند که شامل ترکمنستان، شمال غربی قزاقستان و مناطقی از روسیه، ازبکستان تا شمال غربی افغانستان و همچنین شمال شرق ایران است (cia.gov, 2007). بیشتر ترکمن‌ها در ترکمنستان سکونت دارند. جمعیت ترکمنستان در سال ۲۰۲۱ حدود ۶ میلیون و ۳۴۲ هزار نفر بوده که ۸۵ درصد آن‌ها از قوم ترکمن هستند (World Bank, 2021). ترکمن‌های ایران حدود ۲ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند که به‌اندازه حدوداً ۱۰۶ میلیون نفر است. ترکمن‌های ایران بیشتر در جنوب شرقی دریای خزر و در ترکمن صحرا و اطراف رودخانه اترک و گرگان‌رود سکونت دارند. از لحاظ استانی، سکونتگاه‌های ایشان در استان‌های گلستان (بیشتر بخش شمالی استان)، خراسان رضوی (روستاهایی در نوار مرزی شمال استان) و خراسان شمالی (منطقه راز و جرگلان شهرستان بجنورد) پراکنده است. از شهرهای مهم ترکمن‌ها در ایران می‌توان بندر ترکمن، گنبد قابوس، کلاله، آق‌قلا، گمیشان، مراوه‌تپه و اینچه‌برون را نام برد (Kamali, 1995: 25). کشور ایران و ترکمنستان از خلیج حسینقلی تا دهانه ذوالفقار ۱۱۹۰ کیلومتر مرز مشترک دارند که از این میزان ۷۸۶ کیلومتر مرز خشکی و ۴۰۴ کیلومتر مرز آبی (رودخانه‌ای) می‌باشد (Kargar et al. 2011: 96).

^۱ با توجه به رویکرد تحقیق حاضر که شامل تأثیر گروه قومی در کنترل مرز در منطقه مورد بررسی بود هدف اهمیت در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و نظرات مردم محلی برای نویسندگان اهمیت بالایی داشته و با توجه به اینکه در این زمینه تا زمان نگارش مقاله (۱۴۰۲) تحقیق منسجمی در زمینه بررسی دیدگاه مردم محلی در زمینه تأثیر گروه قومی ترکمن بر کنترل مرز توسط نویسندگان یافت نشد، نگارندگان برآن شدند که از نظرات جامعه محلی و نخبگان مرتبط در زمینه کنترل مرز استفاده نمایند.



شکل شماره ۱: نقشه پراکندگی زبان ترکمنی در آسیای مرکزی

منبع: (GalaxMaps, 2020)

۵- یافته‌های میدانی تحقیق

در این بخش نتایج یافته‌ها حاصل از نظرات کارشناسان در پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار PLS مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

عوامل مؤثر بر کنترل مرز ایران و ترکمنستان: در این قسمت عوامل تأثیرگذار بر کنترل مرز ایران و ترکمنستان ناشی از قرارگیری گروه قومی واحد در دو سوی مرز با تأکید بر گروه قومی ترکمن در شش مؤلفه (جغرافیایی، جمعیتی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی - امنیتی) بر اساس معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی در دو بخش برازش مدل ساختاری و اندازه‌گیری تنظیم شده است.

-الف: بررسی برازش مدل ساختاری ابعاد مؤثر بر کنترل مرز در مناطق ترکمن نشین

مقدار T-Value: این معیار معنادار بودن رابطه میان هر سؤال و متغیر مربوطه و نیز میان چند متغیر را نشان می‌دهد. برای معنادار شدن ضریب مسیرها باید در سطح اطمینان ۹۵ درصد مقدار آماره T آن برابر یا بیشتر از ۱,۹۶ باشد، بنابراین برای برازش مدل ساختاری با استفاده از روش T باید ضرایب موجود از مقدار ۱,۹۶ بیشتر باشند تا معناداری آن‌ها را تأیید نمود. در جدول زیر ضرایب موجود نشان از معنادار بودن روابط متغیرها دارد و در وضعیت مناسبی قرار دارند و بعد سیاسی با ضریب ۳۳,۵۹۸ بیش‌ترین معناداری و بعد نظامی-امنیتی با ضریب ۶,۶۱۸ کمترین معناداری را دارند. **ضرایب مسیر:** این ضرایب برای معناداری روابط بخش اندازه‌گیری و ساختاری به کار می‌روند و ملاک‌های ارزیابی آن ۰,۱۹ (ضعیف)، ۰,۳۳ (متوسط) و ۰,۶۷ (زیاد) هستند. ضرایب جدول نشان از قوی بودن پایداری روابط دارند و بعد سیاسی با ضریب بیش‌ترین ۰,۹۰۳ و بعد نظامی-امنیتی با ضریب ۰,۷۱۵ کمترین پایداری را دارند. **Q2:** این معیار قدرت پیش‌بینی مدل در متغیرهای وابسته را مشخص می‌کند. مدل‌هایی که دارای برازش قسمت

ساختاری قابل پذیرش هستند، باید توانایی پیش‌بینی مولفه‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را داشته باشند. به معنی اینکه چنانکه در یک مدل، تعامل بین سازه‌ها به‌درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها این توانایی را دارند تا تأثیر کافی بر شاخص‌های یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به‌درستی تأیید شوند. ملاک‌های ارزیابی این ضریب 0.02 (کم)، 0.15 (متوسط) و 0.35 (قوی) هستند. ضرایب جدول شماره ۱ نشان از قوی بودن قدرت پیش‌بینی مؤلفه‌ها دارد و بعد اجتماعی - فرهنگی با ضریب 0.512 بیشترین و بعد نظامی-امنیتی با ضریب 0.253 کمترین قدرت پیش‌بینی را دارند.

جدول شماره ۱: مقدار T

Q2	ضرایب مسیر	T-Value	مؤلفه		
0.512	0.868	27.383	اجتماعی - فرهنگی	←	کنترل مرز
0.470	0.884	26.874	اقتصادی	←	
0.422	0.722	9.438	جغرافیایی	←	
0.430	0.821	14.576	جمعیتی	←	
0.505	0.903	33.598	سیاسی	←	
0.253	0.715	6.618	نظامی - امنیتی	←	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

ب. بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری مولفه‌های موثر بر کنترل مرز در مناطق ترکمن نشین

ضریب آلفا: این معیار برای سنجش پایایی درونی به کار برده می‌شود. هرچه پایایی بیشتر باشد همبستگی بین سؤالات و متغیرها نیز بیشتر است. مقدار قابل قبول برای آلفای کرونباخ 0.7 است. مقادیر بالای این عدد نشانگر پایداری مناسب است. در جدول ۲ بالابودن سطح ضرایب آلفا نشان از بالابودن پایایی درونی مؤلفه‌ها دارد و بعد جغرافیایی بعد ضریب 0.933 بیش‌ترین و بعد نظامی-امنیتی با ضریب 0.830 کمترین پایایی درونی را دارند. **ضریب Rho:** برای اندازه‌گیری همگرایی متغیرهای آشکار و پنهان از روش Rho استفاده می‌شود. معیار ارزیابی ضرایب 0.7 است. در این بخش مؤلفه‌ها پایایی و همگرایی مناسب را دارا هستند و بعد جغرافیایی با ضریب 0.938 بیش‌ترین و بعد اجتماعی-فرهنگی با ضریب 0.867 کمترین همگرایی را دارد. **ضریب CR:** در این ضریب پایایی سازه‌ها نه به‌صورت مطلق بلکه باتوجه‌به همبستگی سازه‌ها با یکدیگر محاسبه می‌گردد. معیار ارزیابی این ضریب 0.7 است. باتوجه‌به نتایج جدول ۲ تمامی مؤلفه‌ها دارای پایداری قوی هستند و بعد جغرافیایی با ضریب 0.952 دارای بیش‌ترین و بعد نظامی-امنیتی با ضریب 0.875 دارای کمترین پایداری هستند. **ضریب AVE:** این شاخص نشان می‌دهد که چه درصدی از واریانس سازه مورد مطالعه تحت تأثیر گونه‌های آن سازه بوده‌اند. از شاخص AVE برای سنجش روایی سازه استفاده می‌شود و از آن تحت عنوان روایی همگرا نیز یاد می‌شود (Fornell and Larkle, 1981). به تعمیر ساده‌تر AVE مقدار همبستگی یک متغیر با سؤالات خود را نشان می‌دهد که به هر میزان این همبستگی بیشتر باشد، برازش

هم بیشتر است. مقدار مورد پذیرش برای این ضریب ۰,۵ است. باتوجه به جدول زیر تمامی مؤلفه‌ها مقدار لازم را کسب نموده‌اند که نشان از همبستگی مناسب هر متغیر با سؤال خود دارد و بعد جغرافیایی با ضریب ۰,۸۳۴ دارای بیشترین و بعد نظامی-امنیتی با ضریب ۰,۵۹۹ دارای کمترین همبستگی هستند.

جدول شماره ۲: نتایج برازش مدل ساختاری ابعاد اصلی کنترل مرز

مؤلفه	ضریب آلفا	Rho	CR	AVE
اجتماعی - فرهنگی	۰,۸۵۶	۰,۸۶۷	۰,۹۰۹	۰,۷۱۵
اقتصادی	۰,۸۸۳	۰,۹۰۳	۰,۹۱۳	۰,۶۷۷
جغرافیایی	۰,۹۳۳	۰,۹۳۸	۰,۹۵۲	۰,۸۳۴
جمعیتی	۰,۸۸۱	۰,۸۹۹	۰,۹۲۱	۰,۷۴۸
سیاسی	۰,۸۸۰	۰,۸۹۵	۰,۹۱۴	۰,۶۸۱
نظامی - امنیتی	۰,۸۳۰	۰,۸۹۷	۰,۸۷۵	۰,۵۹۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

بارهای عاملی: بار عاملی میزان شدت رابطه میان یک متغیر پنهان و متغیر آشکار را مشخص می‌کند. هرچه مقدار بار عاملی یک شاخص در رابطه با یک سازه بیشتر باشد، آن شاخص سهم بیشتری در تبیین آن سازه ایفا می‌کند. مقدار مناسب برای بار عاملی ۰,۷ است. بر اساس نتایج جدول ۳ تقریباً تمامی ابعاد در کنترل مرز تأثیر زیادی داشته‌اند. هر یک از ابعاد اهمیت ویژه‌ای دارند. بیشترین اهمیت در کنترل مرز مطابق نتایج به‌دست‌آمده بعد سیاسی با ضریب ۰,۸۹۸ داشته است، در جایگاه دوم بعد اجتماعی - فرهنگی قرار دارد با ضریب ۰,۸۶۵، جایگاه سوم مختص به بعد اقتصادی با ضریب ۰,۸۴۵ است، در جایگاه چهارم بعد جمعیتی با ضریب ۰,۸۲۱ است، جایگاه پنجم مربوط به بعد جغرافیایی با ضریب ۰,۷۲۲ است و در جایگاه آخر و ششم بعد نظامی - امنیتی با ضریب ۰,۶۹۵ است که مقدار ضریب آن کمتر از حد استاندارد است که نشان از ارتباط و تأثیرگذاری کم دارد. در بعد جغرافیایی متغیر فاصله از مرکز با ضریب ۰,۹۴۵، در بعد جمعیتی متغیر ساختار سنی و جنسی با ضریب ۰,۹۲۵، در بعد اجتماعی - فرهنگی متغیر پیوندهای زبانی و مذهبی با ضریب ۰,۹۰۱، در بعد سیاسی متغیر تبعیضات سیاسی با ضریب ۰,۹۰۱، در بعد اقتصادی متغیر فقر و تنگدستی با ضریب ۰,۸۷۳ و در بعد نظامی-امنیتی متغیر تراکم تهدید با ضریب ۰,۹۴۴ در جایگاه اول قرار دارند. از سوی دیگر بررسی برازش بار عاملی مولفه‌های موثر بر کنترل مرز در مناطق ترکمن نشین نشان می‌دهد که در کنترل مرز باتوجه به اهمیت آرمان استقلال‌طلبی و اهمیت نقش‌آفرینی سیاسی و جایگاه سیاسی مردم و نقش نخبگان سیاسی در این مسائل بعد سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد. هرگاه گروهی از مردم در بعد سیاسی نقش‌آفرینی نداشته باشند و بی‌عدالتی در این زمینه باشد خود را از دیگر مردم جدا می‌دانند. عدم نقش‌آفرینی باعث کاهش کیفیت سطح زندگی اقتصادی و اجتماعی نیز می‌شود و کاهش سطح رفاه را در پیش دارد. باتوجه به بی‌عدالتی‌ها و کاهش کیفیت زندگی

و عدم حضور فعال در صحنه سیاسی کشور آرمان‌های استقلال‌طلبی و پیوستن به کشور هم نژاد شکل می‌گیرد. پس بعد سیاسی می‌تواند دارای نقش برجسته و مهمی در کنترل مرز باشد.

جدول شماره ۳: نتایج برازش مدل ساختاری (بار عاملی) مولفه‌های کنترل مرز در مناطق ترکمن نشین

ابعاد	مولفه‌ها	بار عاملی
جغرافیایی	فاصله از مرکز	۰,۹۴۵
	وضعیت توپوگرافی	۰,۹۴۲
	پیوستگی طبیعی دو سوی مرز	۰,۸۸۸
	عدالت فضایی و جغرافیایی	۰,۸۷۶
جمعیتی	توزیع و تراکم جمعیت	۰,۹۲۱
	ساختار سنی و جنسی	۰,۹۲۵
	تعداد جمعیت	۰,۹۲۳
	سطح سواد	۰,۶۶۰
اجتماعی - فرهنگی	پیوستگی فرهنگی	۰,۸۹۹
	ساختار اجتماعی منطقه مرزی	۰,۷۴۱
	پیوندهای زبانی و مذهبی	۰,۹۰۱
	تعصبات قومی	۰,۸۳۱
سیاسی	تبعیضات سیاسی	۰,۹۰۱
	عدم بازیگری و نقش آفرینی	۰,۸۷۰
	بی ثباتی سیاسی	۰,۸۷۵
	نخبگان سیاسی	۰,۷۳۸
اقتصادی	آرمان استقلال طلبی	۰,۷۲۴
	توسعه نیافتگی	۰,۸۲۶
	فقر و تنگدستی	۰,۸۷۳
	بیکاری	۰,۸۴۰
نظامی - امنیتی	دسترسی به خدمات و امکانات	۰,۸۳۹
	سرمایه گذاری و تجارت	۰,۷۳۰
	تراکم تهدید	۰,۹۴۴
	عدم کنترل مرزها	۰,۸۳۵
	تروریسم	۰,۳۸۹
	نیروهای فرامرزی	۰,۷۳۱
	آمایش مناطق مرزی	۰,۸۴۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

بررسی مقادیر به دست آمده از بار عاملی ذکر شده در جدول شماره ۳ نشان داد که تأثیر فاصله از مرکز بر کنترل مرز در مناطق ترکمن‌نشین، به عنوان یک عامل مهم و اساسی مطرح می‌شود. فاصله جغرافیایی از مرکز قدرت ملی تأثیر مستقیمی بر نحوه ارتباطات و کنترل مرزها دارد. در مواقعی که فاصله از مرکز زیاد است، معمولاً پایگاه‌های نظامی و

امنیتی در مرزها تقویت می‌شوند تا امکان مقابله با هرگونه تهدیدی از سوی مرزهای دورافتاده را فراهم سازند. در مناطق ترکمن‌نشین که دورتر از مراکز حاکمیت و قدرت ملی قرار داشته باشند، فاصله از مرکز به عنوان یک عنصر ژئوپلیتیکی می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌ها در زمینه کنترل مرز تأثیرگذار باشد. این موضوع ممکن است نیاز به تدابیر خاص در زمینه تأمین امنیت مرزها و برنامه‌ریزی استراتژیک برای مقابله با چالش‌های امنیتی را ایجاد کند. به طور خاص، توسعه پایگاه‌های اطلاعاتی، نظامی، و امکانات ارتباطاتی در نواحی دورافتاده می‌تواند کمک کننده باشد تا کنترل مرز به بهترین نحو انجام شود. **تراکم تهدید** به عنوان یک مولفه مهم در امنیت و کنترل مرزها، در مناطق ترکمن‌نشین ابعاد جغرافیایی - سیاسی خاصی را به خود اختصاص داده است. افزایش تراکم تهدید در این نواحی نه تنها می‌تواند به تغییرات در استراتژی‌ها و سیاست‌های امنیت ملی منجر شود بلکه نیازمند تدابیر فوری برای حفظ کنترل مرزی می‌شود. در مناطق مرزی ترکمن‌نشین، که ممکن است به دلیل عوامل جغرافیایی و فرهنگی، تهدیدها و چالش‌های امنیتی افزایش یابند، اجرای سیاست‌های امنیت ملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تدابیر نظامی، اطلاعاتی و امنیتی در برابر تهدیدهای مختلف باید به‌روز و کارآمد باشند. برای کاهش تراکم تهدید و حفظ کنترل مرزی، لازم است که تدابیر امنیتی به صورت یکپارچه و مؤثر پیاده‌سازی شوند. تقویت نیروهای نظامی و امنیتی در مرزها، افزایش قابلیت‌های پایش و نظارت، و همچنین همکاری بین‌المللی در زمینه‌های مبارزه با تهدیدات مشترک می‌تواند به تقویت امنیت منطقه کمک کند. **وضعیت توپوگرافی** به عنوان یک مولفه اساسی در کنترل مرز، تأثیر شگرفی بر مشاهدات و نظارت نظامی مرزبانی دارد. زمین‌شناسی منطقه ممکن است موانع طبیعی مانند کوهستان‌ها یا دره‌ها را برای دیده شدن از دور تشکیل دهد یا به عنوان پنهانگاه‌های استراتژیک برای نیروهای نظامی خدمت کند. این امکانات طبیعی می‌توانند ارتقاء یا محدود کردن توانمندی‌های نظامی در کنترل مرز را تعیین کنند. علاوه بر این، وضعیت توپوگرافی می‌تواند اثرگذاری بر امکان دسترسی به نقاط مرزی داشته باشد. مثلاً در دشت‌ها و سطوح صاف، نیروهای کنترل مرز به راحتی می‌توانند تحرک کنند، در حالی که در مناطق کوهستانی یا مناطق پرشیب، دسترسی به مرزها ممکن است مشکل باشد و کنترل مرز را دشوارتر کند. در مناطق مرزی ترکمن‌نشین، **ساختار سنی و جنسی** از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تأثیر گزاری بالایی در کنترل مرزها دارد. ابتدا، ساختار سنی و جنسی در این مناطق بر اساس فرهنگ، تاریخ، و مکان‌های جغرافیایی شکل می‌گیرد. این ساختارها نقش اساسی در شکل‌دهی به هویت فردی و گروهی افراد دارند که در نهایت بر تعاملات و ارتباطات مرزی تأثیر می‌گذارند. یکی از اثرات مهم ساختار سنی و جنسی در مناطق مرزی، ایجاد ارتباطات فرهنگی و اجتماعی قوی بین اقوام و گروه‌های مختلف است. در ترکمن‌نشین، بسترهای فرهنگی مشترکی که تحت تأثیر عوامل سنی و جنسی شکل گرفته‌اند، ارتباطات دوجانبه را تقویت می‌کنند. این ارتباطات می‌توانند به کاهش تنش‌ها و ایجاد هماهنگی در کنترل مرزها کمک کنند. علاوه بر این، ساختار سنی و جنسی در ترکمن‌نشین می‌تواند تأثیرگذاری بر نگرش به مسائل مرزی داشته باشد. افراد با توجه به

ارتباطات فرهنگی و تاریخی خود، به شیوه‌های مختلفی به مسائل مرزی نگرسته و اقداماتی در جهت حفظ استقلال و امنیت مرزها انجام دهند. **تعداد جمعیت و نحوه توزیع آن در مناطق مرزی ترکمن‌نشین**، نقش مهمی در فرآیند کنترل مرزها ایفا می‌کند. این عوامل به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیر مهمی بر استقرار نظام‌های کنترل مرز و امنیت مناطق مرزی دارند. از یک سو، تعداد جمعیت در این مناطق ممکن است به عنوان یک عامل تعیین‌کننده برای نیازها و امکانات مختلف، مانند زیرساخت‌های حمل و نقل و تأسیسات نظامی، مد نظر قرار گیرد. افزایش تعداد جمعیت می‌تواند نیاز به نیروهای بیشتر در کنترل مرز ایجاد کند و همچنین نقش مهمی در تأسیس نظام‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی برای نظارت بر مرزها داشته باشد. از سوی دیگر، نحوه توزیع جمعیت نیز تأثیرگذاری زیادی بر کنترل مرزها دارد. اگر جمعیت به طور یکنواخت در مناطق مرزی توزیع شود، نظام کنترل مرز ممکن است با چالش‌های کمتری مواجه شود. اما، اگر تمرکز جمعیت در نقاط خاصی از مرز رخ دهد، می‌تواند منجر به نیازهای امنیتی و اجتماعی خاصی شود و از نظر کنترل مرز مواجه با چالش‌های اضافی کند. **پیوندهای زبانی و مذهبی** در مناطق مرزی ترکمن‌نشین، جایگاه حیاتی در فرآیند کنترل مرز و تعاملات مرزنشینان دارند. اشتراک زبانی میان افراد این مناطق ارتباطات را تسهیل کرده و به تبادل اطلاعات و تعاملات فرهنگی و اجتماعی بین مردمان مرزنشین کمک می‌کند. زبان به عنوان یک عامل ادراکی و ارتباطی، پلی برای ایجاد تفاهات بین مرزنشینان فراهم می‌آورد و این امکان را فراهم می‌سازد که فرآیند کنترل مرز با هماهنگی بیشتری انجام شود. همچنین، پیوندهای مذهبی نیز در تشدید این ارتباطات تأثیرگذار هستند. اگر اشتراکات مذهبی میان جمعیت‌های مرزنشین قوی باشد، می‌تواند به عنوان یک عامل واحد‌کننده عمل کرده و به تداوم تبادلات فرهنگی و تعاملات مذهبی بین طرفین کمک کند.

۶- نتیجه‌گیری

با شکل‌گیری تحولات گسترده در عرصه‌های مختلف نظیر جهانی‌شدن، تغییر الگوهای ارتباطی و اقتصادی و بهره‌برداری از پیشرفت‌های تکنولوژی به‌ویژه در زمینه ارتباطات، منجر به تحولات عمده‌ای در نحوه ارتباط میان مناطق مرزی و دیگر مناطق گردیده است. این تحولات همچنین قدرت مشارکت ساکنان مناطق مرزی را در تغییرات اجتماعی و اقتصادی مناطقشان تقویت کرده است. در مقابل، پیشرفت‌های فناوری و تسلیحات به‌طور مستقیم تأثیری عمیق بر مناطق مرزی دارند. این پدیده نه تنها به‌عنوان فرصتی برای افزایش امنیت و توسعه محل اقامت ساکنان مرزی، بلکه به‌عنوان چالش‌هایی در جهت تشدید تنش‌ها و تضادها در این مناطق نیز ایفای نقش می‌کند. ساکنان بومی مرز که بسیاری از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی مناطق مرزی را تجربه می‌کنند، می‌توانند با دانش خود از جغرافیای منطقه و درک عمیق از نیازهای آن، در فرآیندهای مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به امنیت و توسعه مناطق مشارکت داشته باشند. این نوع مشارکت می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در تقویت امنیت و توسعه پایدار مناطق مرزی مطرح باشد همچنین، انطباق منافع این ساکنان با مدیریت بهتر مرزها و تضمین امنیت در مناطق مرزی، می‌تواند

منجر به کاهش هزینه‌های مرتبط با کنترل و مدیریت مرزها شود. این مسئله به‌طور معنی‌داری می‌تواند به‌عنوان یکی از گزینه‌های موثر جهت پیشروی و توسعه کشورها، از جمله ایران، مدنظر قرار گیرد. البته، این امر با در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های مختلف به‌عنوان یک امکان در دسترس می‌آید.

یکی از مهم‌ترین شرایط برای به‌کارگیری ساکنان مرزی در فرآیند کنترل مرزها، قرارگرفتن یک گروه قومی خاص در دو طرف مرزهای یک کشور است. این گروه قومی با توجه به تشابهات فرهنگی، تاریخی و اجتماعی که دارند، توانایی بسیاری را در تأثیر بر کیفیت و نحوه کنترل مرزها دارند. این اشتراکات و خویشاوندی‌های معنوی و فرهنگی می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر در افزایش توانایی‌های محلی برای مدیریت مرزها و ارتقاء امنیت مناطق مرزی عمل کند. از این منظر، اندیشیدن به راهکارهایی برای ترکیب این پتانسیل‌ها و توانمندی‌ها در جهت بهبود مدیریت مرزی و ایجاد امنیت در مناطق مرزی، یکی از استراتژی‌های پیشروی و توسعه مؤثر مناطق مرزی کشورها، از جمله ایران، محسوب می‌شود. با این حال، لازم است به دقت شرایط و ویژگی‌های هر منطقه مرزی تحت‌الشعاع قرار گیرد تا امکان‌پذیری و کارایی اجرای این ایده‌ها ارزیابی شود. با این حال این مسئله به این سادگی نمی‌تواند باشد، زیرا مقوله قومیت در ایران، به دلیل تعدد گوناگون قومیت‌ها، اهمیت به‌سزایی دارد. ایران به‌عنوان کشوری با تنوع فرهنگی و جغرافیایی، با وجود مرزها، ارتباطات فرهنگی‌ای بین مردمان خود و ملت‌های همسایه دارد و در شرایط کنونی با مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مختلف و نیز وجود تبعیض‌های متنوع در کشور، این مسئله به اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در این راستا، نخستین گام در راستای ایجاد یک محیط عادلانه، برابر و بدون تبعیض در کشور، رفع تفاوت‌های فضایی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. این اقدام به‌طور مستقیم منجر به ایجاد عدالت فضایی، ایجاد شرایط برابری برای همه اقشار جامعه و افزایش احساس تعلق و همبستگی میان افراد و ملت می‌شود. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تأثیرات ابعاد مختلف بر این مسئله حائز اهمیت هستند. به عبارت دیگر، همه‌ی ابعاد شامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و جمعیتی، در ایجاد و تشدید اهمیت مسئله قومیت دخیل هستند. نتایج نشان می‌دهند که بیشترین تأثیر در کنترل مرز و اهمیت آن به‌عنوان بخشی از مسئله قومیت، به عوامل سیاسی تعلق دارد. تفاوت‌های سیاسی و عدم مشارکت سیاسی می‌تواند احساس عدم تساوی و عدم تعلق به کشور را تقویت کند و از دست دادن احساس ملتیت را ایجاد کند. همچنین، ضعف در تقسیم منابع اقتصادی و نیز تبعیض‌های اقتصادی، به ارتقاء ایده‌آل‌های استقلال‌طلبی کمک می‌کند. از سوی دیگر، فاصله جغرافیایی و پیوستگی‌های فرهنگی، قومی و دینی با سایر نواحی، تفاوت‌های فرهنگی و شناخته‌شدگی با مرزها را بیشتر کرده و از حفظ تمامیت ارضی کشور مهم‌تر می‌سازد. به‌طور کلی، ابعاد مختلف به‌طور ترکیبی و تعاملی در شکل‌گیری مسئله قومیت در ایران تأثیرگذار هستند. در نهایت، مدیریت مناسب این مسئله و ترکیب تدابیری برای حفظ تمامیت ارضی، توازن میان اقوام مختلف و ایجاد شرایط برابری و عدالت اجتماعی، به‌عنوان یک فرآیند چندبُعدی و پیچیده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در واقع، تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که کنترل مرز و ایجاد محیطی پایدار و امن در مناطق مذکور نیازمند نظریه‌پردازی و برنامه‌ریزی چندبُعدی است. ترکیب عوامل اجتماعی، اقتصادی، نظامی-امنیتی، سیاسی و جغرافیایی می‌تواند به عنوان مبنایی برای ایجاد استراتژی‌ها و سیاست‌های جامع و مؤثر جهت بهبود کنترل مرز و تضمین امنیت منطقه عمل کند. اهمیت تعامل و همبستگی میان این عوامل نشان‌دهنده این است که در نظر گرفتن تنها یکی از این عوامل نمی‌تواند بهبود موقعیت کنترل مرز را به همراه داشته باشد. به عنوان مثال، بهبود اقتصادی و کاهش فقر ممکن است منجر به افزایش توجه به مسائل اجتماعی و تعاملات فرهنگی شود که به نوبه خود تأثیر در پایداری و امنیت منطقه دارد. در عین حال، هماهنگی در سیاست‌های داخلی و بین‌المللی نیز می‌تواند در بهبود کنترل مرز و ایجاد تعادل در منطقه کمک کند. تأثیرات نظامی-امنیتی نیز از اهمیت بالایی برخوردار هستند؛ زیرا کنترل دقیق و کارآمد مرزها در کاهش تهدیدات امنیتی و جلوگیری از نفوذ غیرمجاز تأثیر مثبتی دارد. از جنبه جغرافیایی، شناخت دقیق از توپوگرافی و ویژگی‌های جغرافیایی می‌تواند در تدوین سیاست‌های کنترل مرز مؤثر باشد. همچنین، اطلاعات دقیق در مورد فاصله از مرکز و وضعیت جغرافیایی نقشی مهم در ایجاد توازن در منطقه ایفا می‌کنند. بر اساس نتایج ذکر شده، توصیه می‌شود که سیاست‌ها و استراتژی‌های مربوط به کنترل مرز در مناطق مذکور، با در نظر گرفتن تعاملات چندبُعدی عوامل اجتماعی، اقتصادی، نظامی-امنیتی، سیاسی و جغرافیایی، ارائه شوند. همچنین، همکاری و هماهنگی با سایر کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در تحقق اهداف کنترل مرز و ایجاد امنیت و پایداری، بسیار حیاتی است.

۱. ترویج همکاری و مشارکت نخبگان محلی (رهبران قومی و مذهبی)

به منظور افزایش اشتراک اطلاعات و تجربیات، همکاری میان اقشار مختلف جامعه محلی ترکمن و ارگان‌های مرتبط با کنترل مرز بسیار حیاتی است. سازمان‌های محلی و نهادهای دولتی می‌توانند به عنوان پلی برای ارتباط و هماهنگی با قومیت ترکمن بهره‌برداری شوند. جوامع محلی اطلاعاتی ارزشمند درباره نقاط ضعف و قوت منطقه دارند. همکاری در جمع‌آوری و به اشتراک‌گذاری این اطلاعات می‌تواند به تدوین سیاست‌ها و راهبردهای بهتر برای کنترل مرز و ایجاد امنیت کمک کند. بدین منظور برقراری ارتباط مستقیم با جوامع محلی و قومیت ترکمن، به ویژه از طریق نمایندگان محلی و رهبران قومیت، می‌تواند اعتماد و همکاری را تقویت کرده و به جذب حمایت آنها از اقدامات کنترل مرزی کمک کند، بنابراین، دعوت از نمایندگان و رهبران قومی و مذهبی ترکمن به فرآیند تصمیم‌گیری مرتبط با کنترل مرز، نه تنها نقطه‌نظرهای آنها را به حساب می‌آورد، بلکه نیز بهبود اجرای سیاست‌ها را تسهیل می‌کند. در واقع باتوجه به بافت مذهبی و ساختار اجتماعی مناطق ترکمن نشین، که در آن نخبگان مذهبی (مولوی‌ها) جایگاه برجسته‌ای در میان شهروندان دارند، ارتقای همکاری مشترک با این افراد و در نظر گرفتن نظرات این قشر از جامعه در مسائل مربوط به کنترل مرز در منطقه مورد مطالعه از اهمیت بالایی برخوردار است.

۲. آموزش و آگاهی بخشی

آموزش و آگاهی بخشی به نخبگان محلی، از جمله راهبردهای حیاتی در بهبود کنترل مرز و تأسیس محیط امن و پایدار در مناطق مرزی به شمار می آید. این راهبرد، از طریق اقداماتی همچون برگزاری دوره های آموزشی جهت آشنایی با اهمیت کنترل مرز، تشخیص و گزارش فعالیت های مشکوک، بهره برداری از تجهیزات مرتبط و فهم حقوق و وظایف شهروندان در این زمینه، می تواند افراد را بهبود بخشید. همچنین، استفاده از وسائل ارتباط جمعی نظیر تلویزیون، رادیو، اینترنت و شبکه های اجتماعی به منظور انتقال اطلاعات و آموزش های مرتبط با کنترل مرز، می تواند به نفع تعداد گسترده ای از افراد دسترسی فراهم کند و در این زمینه ابزاری مؤثر و کارآمد خواهد بود. این اقدامات باعث افزایش آگاهی، توانمندی و مشارکت عمومی در کنترل مرزی می شوند و بدین ترتیب، به ایجاد امنیت و پایداری در مناطق مرزی نیز کمک می نمایند.

۳. اشتغال و توسعه اقتصادی

اهمیت ایجاد فرصت های اشتغال و توسعه اقتصادی در مناطق مرزی ترکمن نشین، به لحاظ علمی از جهت تاثیرات چندگانه ای که می تواند بر عملکرد کنترل مرز و امنیت منطقه داشته باشد بسیار مهم است. این اقدام در قالب افزایش توانمندی های محلی، کاهش فقر و بیکاری، تقویت تعاملات اجتماعی، افزایش همبستگی و تعامل میان اقشار مختلف جامعه، افزایش تعامل با جوامع محلی و نمایندگان قومیت ترکمن، کاهش فشارهای مهاجرتی، و ایجاد فرصت های شغلی برای افراد جامعه ترکمن منطقه تاثیر می گذارد. این اقدامات می توانند منجر به تشدید همکاری افراد در فعالیت های مرتبط با کنترل مرز، تقویت توانمندی های امنیتی منطقه، کاهش تهدیدات امنیتی، و توسعه یک محیط امن و پایدار در مناطق مرزی شود. این مسیر، با تأکید بر نقش توسعه اقتصادی در بهبود امنیت و پایداری مناطق مرزی، به طور علمی تأیید می شود و از اهمیت و اثربخشی آن در بهبود کنترل مرز با حضور قومیت ترکمن در این مناطق شهادت می دهد.

- Abomhara, M., Yayilgan, S. Y., Nweke, L. O., & Székely, Z. (2021). A comparison of primary stakeholders' views on the deployment of biometric technologies in border management: Case study of SMart mobILity at the European land borders. *Technology in Society*, 64, 101484. <https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2020.101484>
- Ahmadipour, Z., & Heidari Moselu, T. (2010). Analysis of ethnicity and ethnic identity in Iran; For sustainable security. *Journal of Social Order*, Second Year, 1, 36–62. (In Persian).
- Andalib, A. & Motouf, S. (1388). Development and security in border regions of Iran. *Bagh Nazar*, 6(12), 57-76. [In Persian]
- Brown, W. (2010). *Walled states, waning sovereignty*. Brooklyn, NY: Zone.
- Burton, R. (2017). *Political ethnography*; Translated by Nasser Fakuhi (6th ed.). Ney Publications. (In Persian).
- Glassner, M & Fahrer, C. (2004). *Political geography. USA* : John Wiley and Sons.
- GREEN, E (2006): *Redefining Ethnicity*, Development Studies Institute, London School of Economics, Paper at the 47th Annual International, Studies Association Convention, San Diego, CA, March.
- Hafeznia, M R (2019); *Political geography of Iran*; Samat Publications, 10th edition, Tehran. (in Persian)
- Hafeznia, M. R., & Janparvar, M. (2017). *Borders and globalization with a brief look at the borders of Iran*. Publications of the Research Institute for Strategic Studies. (in Persian).
- Heshmati jadid, M. Noghreie, F. Hasanzadeh, M. (2016). Investigating the effective factors on the performance of ethnic and religious groups in the internal security of Sistan and Baluchistan province (with emphasis on the ethnic and religious groups of Sarvan city), *Journal of Defense Policy*, 24(96), 141-182. [In Persian]
- https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Turkmen_language_map.png
- <https://www.cia.gov>
- Janparvar, M. (2017). *A new approach to border studies (concepts, principles and theories)*. Iranian Geopolitical Association Publications.
- Janparvar, M. (2018). *Effective Factors on Border Residents' Organization for Controlling Border (Case Study: The Borders of the Islamic Republic of Iran with Turkmenistan in the Area of North Khorasan)*. *Journal of Geography and Regional Development*, 15(2), 95-118. doi: 10.22067/geography.v15i2.58759. [In Persian]
- Janparvar, M., Bahrami Jaf, S., Moradi, A., & Tak Roosta, M. (2022). Investigating the effective factors on border control in the eastern borders of Iran (Case study: Khorasan Razavi province border with Afghanistan). *Journal of Great Khorasan*, 13(46), 43-56. doi: 10.22034/jgk.2022.308595.0. [In Persian]
- Janparvar, M., Bahrami Jaf, S., Shahbazi, M. et al. Control and maintenance of borders due to the expansion of the Kurdish ethnic group on both sides of the Iranian-Iraqi border. *GeoJournal* **87**, 4161–4177 (2022). <https://doi.org/10.1007/s10708-021-10492-5>
- Janparvar, M., Mazandarani, D., Ghabasefidi Bayegi, E., & Abasi, F. (2021). Conceptualizing Border Regions and Explaining the Shaping Parameters. *Geopolitics Quarterly*, 17(63), 116-141. [In Persian]
- Johnston, J. et al. (ed), 1994, *The Dictionary of Human Geography*, Third Edition, Massachusetts, Black well.

- Jones P.N.; Wild, T (1994). Opening the frontier: recent spatial Impacts in the inner- German border zone, *Regional Studies*, vol.28, No.3.
- Jones, R., & Johnson, C. (2016). Border militarisation and the re-articulation of sovereignty. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 41(2), 187–200. <https://doi.org/10.1111/tran.12115>
- Kamali, M. & Askari Khanqah, A. (1995). *Turkmen Iranians, legends*. Tehran. [In Persian]
- Kargar, B. & Bahirai, H. & Abbasi Semnani, A. (2012). Regional analysis of the country based on the SWOT index (Case study: Iran-Turkmenistan border region). *Environmental Studies*, 16, 89-106. [In Persian]
- Kargar, B. & Bahirai, H. & Abbasi Semnani, A. (2012). Regional analysis of the country based on the SWOT index (Case study: Iran-Turkmenistan border region). *Environmental Studies*, 16, 89-106. [In Persian]
- Mir Heidar, D., Gholami, B., & Mir Ahmadi, F. (2013a). Critical analysis of ethnicity maps in Iran. *Geopolitical Quarterly*, Year, 9(3), 1–30.
- Mir Heidar, D., Gholami, B., Mir Ahmadi, F., & Nasrollahi, B. (2013b). Induction maps and distortion of ethnic reality in Iran case study: Kurdish, Turkish, Arab and Baluch ethnicities. *Geography and Regional Development*, 21, 1–22.
- Mir Heidar, D., Rasti, I., Mirahmadi, F. (2019). *Fundamentals of political geography*, Samat Publications, 23rd Edition, Tehran. (in Persian).
- Mirzaei Tabar, M. & Hafez Nia, M. & Safavi, Sidihhi & Azami, H. (2018). An Analysis of the Transformation Processes of Conflict Theories: Emphasis on History, Disciplines and Basic Views of Theories. *Journal of Defense Policy*, 26(101), 133-177. [In Persian]
- Moaidfar, S & Rezaei, Al. (2009). An analysis of the state of ethnic identity in Iranian society, a case study of Tehran University students. *Political Studies*, 1(3), 19-48. [In Persian]
- Mojtahadzadeh, P. (2016). *Iran's border policies and international borders*; Samit Publications, second edition, Tehran. [In Persian]
- Oztig, .. I. (2020). Pakistan's border policies and security dynamics along the Pakistan-Afghanistan border. *Journal OF Borderlands Studies*, 35(2), 211–226. <https://doi.org/10.1080/08865655.2018.1545598>.
- Rizzo C.E. (2008). Ethnic identity formation in transracial adoptees. From www.uccs.edu.
- Seifullahi, S. & Bastami, I. (2013). Effective social factors in the divergence of ethnic groups in Ilam province: Study case: Dereshahr city. *Iranian Sociological Studies*, 4(15), 9-27. [In Persian]
- Soffer, A. (1994). Forms of coexistence and transborder cooperation in a hostile area: the Israeli case. In W. Galluser and et al (eds.), *Political Boundaries and Coexistence*, Peter Lang, Berne. pp. 182–191.
- Steffens, F. (2020). Facing up to the new world of border control. *Biometric Technology Today*, (9), 8–11. [https://doi.org/10.1016/s0969-4765\(20\)30123-5](https://doi.org/10.1016/s0969-4765(20)30123-5)
- Walters, W. (2006). Border/Control. *European Journal of Social Theory*, 9(2), 187–203.
- Yousefi, R. (2015); Investigating the effect of the presence of an ethnic minority on both sides of the border on border control (a case study of the Baluch ethnic group along the borders of Iran and Pakistan); Master thesis, political geography, under the guidance of Mohsen Janparvar, Faculty of literature and humanities, Ferdowsi University of Mashhad.
- Zarghani, H. (2019). *An introduction to sustainable border security and border areas with an emphasis on eastern borders*. Iranian Geopolitical Association Publications. (in Persian).

- Zarghani, H., Janparvar, M., Salehabadi, R., & Jahanbin, A. (2016). Wireless sensor network; New strategy for controlling and managing the country's borders to establish order and security. Journal of Geography and Regional Development, Fourteenth Year, 2(27), 25–49. (in Persian).

